

“ اعدام زندانیان سیاسی تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر ”

در صفحه ۳

بیانیه سازمان عفوین الملل

۷ تن از پناهندگان ایرانی در ترکیه بلافاصله پس از تحویل به ایران در ماکو اعدام شدند

در صفحه ۳



دوشنبه ۱۳۶۸ برابر با ۲۳ اکتبر ۱۹۸۹
بمساهم ۶۰۰ ریال سال ششم شماره ۲۸۰

به اعتراف رفسنجانی:

دولت برای تامین کسر بودجه به صف دلالتان ارز پیوسته است

“سیاست جدید ارزی” تا چه حد جدید است؟

در روز یکشنبه ۱۶ مهر، بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد از هفدهم مهرماه، چند شعبه “بانک تجارت” در تهران، اقدام به فروش “ارز رقابتی” خواهند نمود. به موجب این سیاست جدید که با بوق و کرنا اعلام شد، نرخ “ارز رقابتی” روز هر روز از سوی بانک تجارت تعیین می شود. در نخستین روز فروش ارز، این نرخ برای هر دلار آمریکایی ۱۰۰ تومان اعلام گردید.

“ارز رقابتی” فعلا شامل این متقاضیان می شود:

– سازمان صنایع ملی و شرکت های تحت پوشش.

– سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت های تحت پوشش.

– بنیاد جانبازان و مستضعفان انقلاب اسلامی و شرکت های تحت پوشش.

– بنیاد ۱۵ خرداد و شرکت های تحت پوشش

– سازمان گسترش خدمات بازرگانی.
– تعاونی صنوف
– بنیاد شهید انقلاب اسلامی و شرکت های تحت پوشش.
– اتحادیه امکان و شهر و روستا. (به نقل از کیهان ۱۶ مهر)

مهمان با فروش “ارز رقابتی”، اعلام شد که دارنده هر گذرنامه ایرانی می تواند هنگام ورود و خروج از کشور تا پنج هزار دلار ارز بدون اظهارنامه همراه داشته باشد.

ظاهرا انگیزه اصلی دولت برای پیوستن به صف دلالتان ارز، “ارائه خدمات بانکی به وارد کنندگان کالا” است. اما هنوز یک روز از اجرای سیاست جدید نگذشته بود که رفسنجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: “اگر یک میلیارد دلار ارز با قیمت صادراتی (۵۵ یا ۶۰ تومان) وارد بازار کنیم خواهیم توانست معادل ۶۰ یا ۷۰ بقیه در صفحه ۲

تبدیل شدن ناگهانی ده تن طلا به مفرغ

درگیری های درونی حکومتی باعث افشای یک دزدی ده میلیارد تومانی شد.

مطابق آنچه که مطبوعات جمهوری اسلامی در اواخر هفته اول مهر گزارش کردند، ماموران ژاندارمری استان هرمزگان موفق شدند یک محموله ده تنی طلای قاچاق را کشف کنند. این محموله شمش طلا، که همان روزها قیمت آن یک میلیارد دلار تخمین زده شد، در دو کامیون جاسازی شده بود.

کامیونها در بندر کنارک مورد بازرجویی ماموران ژاندارمری قرار گرفتند و جاسازیها و محموله تعصیه شده در آنها کشف شد.

در بدو امر، یعنی همان روزهای پایانی هفته اول مهر، کشف مذکور شیرین تر و پر افتخارتر از آن می نمود که از کاشفان آن قهرمانان ماجراهای صعب که فاصله چندانی با سربازان گمنام امام زمان برایشان نگذاشتند، ساخته نشود و بکش بکش بر سر اینکه چه ارگان هایی در این عملیات مشارکت داشته اند صورت نگیرد. بنا به این گزارشها “ماموران ژاندارمری استان بقیه در صفحه ۶

در این شماره

* پیش فروش نقد، بازسازی نسبه

در صفحه ۵

* گرانی سرسام آور

در صفحه ۳

* چگونه بر انشعاب غلبه کردیم

در صفحه ۸

* اکنون کرس

دبیرکل حزب متحد سوسیالیست آلمان شد

در صفحه ۱۲



یکی از مراکز فروش ارز رقابتی در تهران

علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام، بپا خیزیم!

به اعتراف رفسنجانی :

دولت برای تامین کسر بودجه به صاف دلان ارز پیوسته است

بقیه از صفحه اول

میلیارد تومان بدست آوریم که این مسئله باعث تامین بخشی از کسری بودجه نیز خواهد شد. (کیهان ۱۷ مهر) البته باید به گفته رفسنجانی این را افزود که فعلا دولت، گرانفروشی تر از آن است که رئیس جمهور آخوندها می گوید، و هر دلار را ۱۰۰ تومان می فروشد نه ۵۰ یا ۶۰ تومان. از این بگذریم که معلوم نیست چرا وقتی رفسنجانی یک میلیارد را در ۵۰ یا ۶۰ ضرب می کند می شود ۶۰ یا ۷۰ میلیارد!

برای اینکه "ارز رقابتی" واقع در خدمت واردات کالای مورد نیاز مردم قرار بگیرد، هیچ تضمینی وجود ندارد. در هیچ یک از بیانیه های رسمی، نیامده که چگونه می خواهند اختصاص ارز فروخته شده به ورود کالا را کنترل کنند. تجربه نشان داده است که برای تجار، بورس بازان و دلان بسیار با صرفه تر است که "ارز رقابتی" را بدون اینکه کالایی در میان باشد، دست به دست بفروشند و سود ببرند. اگر هم کنترلی باشد، آنهایی که تابه حال ارز دولتی و صادراتی و قیره را به بازار آزاد می رسانند، راهش را بلدند.

رفسنجانی و مسئولان انتصابی او این را خوب می دانند. دولت با آگاهی کامل از این امر وارد بازار ارز شده است و آقای رئیس جمهور هم این را منکر نیست؛ او صریح می گوید که دولت می خواهد ارز را وارد بازار کند. اما برای حفظ ظاهر، هدف را کمک به واردات اعلام کرده اند.

اگر هم فرض کنیم که تجار، با "ارز رقابتی" کالا وارد کنند، این کالاها به چه قیمتی فروش خواهد رفت؟ با حساب سود وارد کننده و قیمت ها در بازار جهانی، سیاست جدید در خوش بینانه ترین حالت تاثیر بسیار اندکی در بازار داخلی ایران خواهد داشت. در حال حاضر، سرمایه داران صرفا به کار انداختن پول خود در دلالی و خرید و فروش، در هر یک سال سرمایه خود را دو برابر می کنند. کدام واردات است که با حساب چند ماه فعالیت و ریسک های همراه آن، تا این حد سودمند باشد؟ پاسخ روشن است: واردات کالاهایی که در بازار داخلی به قیمت های

دلار می رسد. از این رقم، سهم ماشین جنگی و توپ و تانک و هواپیماهایش را کم کنید (رفسنجانی میگوید "تقویت بنیه دفاعی" کماکان بالاترین اولویت است). کمک به "نمضت های اسلامی" و بذل و بخشش ها را هم کم کنید. خوب، طبیعی است که مقداری هم در این میان به جیب دزدهای حکومتی می رود. چقدر می ماند؟ این مبلغ ناچیز، هم باید نیاز صنایع داخلی را برآورده کند و هم نان شب مردم را تامین نماید.

این ارقام، افلاس ارزی دولت را در تمام ابعاد آن می نمایند. این افلاس از یک سو، و سرمایه ریالی

و فروش، سودهای نجومی می آورد. و این دایره علت و معلول، ادامه می یابد...

به همه اینها باید این را هم افزود که رژیم اسلامی، نیروی انسانی متخصص را آنچنان تحت فشار گذاشته و نسبت به آینده ناامید کرده است که صدها هزار تن از این نیروی متخصص، جلای وطن کرده و یا ناچار به مهاجرت شده اند، و آندسته هم که مانده اند، با ادامه حیات این رژیم، آینده ای نمی بینند که در آن بتوانند بایک زندگی سالم و آسوده، در خدمت تولید و پیشرفت کشور قرار گیرند. در جمهوری اسلامی، درآمد یک سیگار فروش موفق، چند برابر



درآمد یک مهندس است. صاحبان صنایع، از فروش مواد اولیه دولتی در بازار آزاد، بسیار بیشتر سود می برند تا تولید. با این وضع، کدام انگیزه برای تولید باقی می ماند؟ با این حال، نمی توان احتمال تاثیر سیاست ارزی جدید بر قیمت ها را به کلی منتهی دانست. اما همانگونه که تاثیر هامل مهمی مانند پایان جنگ نیز پایدار نماند، تاثیر اینگونه اقدامات جزئی نیز پایدار نمی ماند. تنها تاثیر آن بر افزایش بهای کالاهایی پایدار خواهد ماند که تاکنون به دلیل گوناگون قیمتشان با ارز، سنجیده نشده بود. دیگر تقریبا بهای تمام کالاها، بجز کالاهایی که برایشان سوسپید پرداخت می شود، حداقل با "ارز رقابتی" تعیین خواهد شد. این اقدام دولت نیز در تخفیف دراز مدت بحران انفجار قیمت ها و رکود تولید موثر نخواهد بود. در راس هوامل بحران ز، خود رژیم جمهوری اسلامی با مشخصاتی است که ده سال کمابیش بلا تغییر مانده است.

نجومی بخش خصوصی در ایران، نرخ ارز را نزدیک به ۲۰ برابر نرخ رسمی آن بالا برد. تا وقتی تولید در داخل ایران در وضع فلاکت بار فعلی بماند، پایه مادی کاهش ارزش ریال وجود خواهد داشت. دولت با فروش دلار به قیمت ۱۰۰ تومان، به واین کاهش رسمیت هم بخشیده است. رفسنجانی می گوید می خواهد "سیستم دوزخی" را از بین ببرد. فروش دلار ۱۰۰ تومانی، نشان می دهد که چه چیز جانشین سیستم دوزخی خواهد شد: یک نرخ، اما نرخی که بیشتر به بازار سیاه نزدیک است تا نرخ دولتی و کالاهای سهمیه بندی شده. اقتصاد ایران، بر اثر سیاست خانمان بر بادده آخوندها، یک کلاف سردر گم شده است. تا وقتی تجارت و دلالی سود نجومی دارد هیچ سرمایه ای جذب تولید نمی شود. رکود تولید به نوبه خود به تورم شدت می بخشد و بقای فضایی را امکان پذیر می کند که در آن، صرف گردش سرمایه در خرید

” اعدام زندانیان سیاسی تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر “

۷ تن از پناهندگان ...

سازمان هغو بین الملل در تاریخ ۲۱ سپتامبر اطلاعیه‌ای صادر کرد که بر اساس آن ۹ نفر پناهمجوی ایرانی در تاریخ ۲۶ و ۲۷ نوامبر گذشته از طرف مقامات ترکیه تحویل رژیم ایران شده‌اند ۷ تن از آنان بلافاصله بعد از تحویل در ماکو اعدام گردیده‌اند. ۴ تن از افراد تحویل داده شده کسانی بودند که از طرف کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در آنکارا به عنوان پناهنده شناخته شده بودند.

سازمان هغو بین الملل سالجاست که نگرانی خود را از این مسئله ابراز می‌دارد که محاکمه زندانیان سیاسی در ایران به هیچ وجه با موازین بین المللی انطباق ندارد.

بعد از موج اعدام‌های سیاسی در نیمه دوم سال ۱۹۸۸ که اسامی ۱۷۰۰ تن از قربانیان آن گزارش شده است، سازمان هغو بین الملل اکنون نگرانی خود را از این مسئله ابراز می‌دارد که رژیم ایران مخالفین خود را تحت عنوان قاچاقچی اعدام کند.

لازم به تذکر است که بیانیه فوق در ۱۵ سپتامبر منتشر شده است.

— بهرام کاظمی و مسعود ثابت اعدام شدگان در شیراز

در ضمن گزارشاتمی در دست است که بر اساس آنها در جریان اعدام‌های قبلی تعداد نامعلومی از افراد وابسته به نیروهای سیاسی مخالف رژیم به اتهام قاچاقچی اعدام شده‌اند که از بین آنها افراد زیر را میتوان نام برد:

- همایون صولتی زمان اعدام نامعلوم در تهران
- شاهرخ شمس‌آوریل ۱۹۸۹ در اسدآباد همدان
- مهدی ثابتی ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۹ در مشهد

” بنا به اطلاعات رسیده به سازمان هغو بین الملل بین ۷۹ نفری که در روز ۱۹ اگوست ۱۹۸۹ به اتهام قاچاقچی مواد مخدر اعدام شده‌اند، افرادی بوده‌اند که به گروه‌های سیاسی ایرانی مخالف رژیم اسلامی تعلق داشته‌اند اسامی این افراد بدین قرار است:

- محمد یونسی اعدام شده در همدان
- محمد قلی ابراهیمی اعدام شده در رشت
- بیژن بیگلری اعدام شده در کرمانشاه

گرانی سرسام آور

تاکنون بارها صفت ”سرسام آور“ را برای گرانی مایحتاج مردم در ایران به کار برده‌ایم. اما تنها زمانی می‌توانیم ”سرسام آور“ بودن گرانی را درک کنیم که این قیمت‌ها را با میزان درآمدها مقایسه کنیم. آنچه در زیر کلیشه شده است نیش بانکی پرداخت حقوق یک معلم با عرسال سابقه کار است.

- ۴۰ تومان
- ۵۰ تومان
- ۱۵ تومان
- ۵ تومان
- ۲۰۰ تومان
- ۳۰۰۰ تومان
- ۱۵۰۰ تومان
- ۸۰۰۰ تومان
- ۱۰۰ تومان
- ۸۰۰ تومان
- ۷۰۰ تومان
- ۲۰۰ تومان
- ۱۴۰ تومان
- ۱۵۰ تومان
- ۱۰۰۰۰۰۰ تومان
- ۲۴۰۰۰۰ تومان
- ۲۶۰۰۰۰ تومان
- ۴۰۰ تومان
- ۲۰۰۰۰۰ تومان
- ۸۰۰۰ تومان
- ۲۰۰ تومان
- ۴۰۰ تومان
- ۱۲۰۰ تومان
- ۲۰۰۰۰۰ تومان

- سیب نخود
- پیاز لیوان
- لامپ ۱۰۰ وات
- مانتو پارچه‌ای
- پیراهن مردانه
- کت و شلوار
- کامو بافتنی اهدد
- زیر شلوازی
- بلوز پسرانه عرساله
- زیر پیراهن مردانه
- مرغ ۱ کیلو
- برنج
- لباسشویی
- جارو برقی
- اجاق گاز
- چای خارجی ۱ کیلو
- یک سرویس چینی
- پلوپز
- زیر پیراهن
- دمپایی
- رو سری
- خرج کفن و دفن (بدون مراسم)

- ۲۵۰ تومان
- ۱۵۰ تومان
- ۱۵۰ تومان
- ۱۰۰ تومان
- ۹۰۰ تومان
- ۴۱ تومان
- ۲۰ تومان
- ۴۵ تومان
- ۴۵ تومان
- ۲۰ تومان
- ۴۰ تومان
- ۱۵ تومان
- ۴۰ تومان
- ۴۰ تومان
- ۲۵ تومان
- ۱۵ تومان

- گوشت
- تخم مرغ ۱ شانه
- قند کیلویی
- شکر کیلویی
- روغن ۵ کیلویی
- سیب زمینی ۱ کیلو
- سبزی ۱ کیلو
- پر تغال
- لیمو شیرین
- خیار
- نارنگی
- هندوانه
- خربز
- انگور ریش‌بابا
- انگور کشمش
- گوجه فرنگی

حقوق و مزایا		حقوق	۲	۳	افزافه کار	فوق العاده	پاداش	مزیت رفت و آمد	مستوفی	جمع
		۲۲۳۰۰				۱۶۵۰۰				۲۸۸۰۰
کود و بیمه	بازنشستگی جاری	۳۲۹۸								
	بازنشستگی کدشسته									
	مالیات									
	مقرری ماه اول									
	مستوفی									
	صندوق تعاون									
	فوق العاده									
	شرکت فروش									
	اجرا									
	بانک									
	مستوفی									
	جمع									۹۲۹۸
	قابل پرداخت									۲۹۳۰۲

سبب قابل پرداخت فوق پرستار محترم است. شما بروید و سید و سید و سید

اصلاح آئین نامه نحوه انجام امور گمرکی کالاهای مسافری

به همراه خود داشته باشد باید آن را در اظهارنامه‌ای که در هواپیمای او داده میشود، قید کند و اگر کالای همراه مسافر کمتر از ۱۰۰ هزار ریال باشد، کالای اضافی بر ۵۰ هزار ریال این افراد مشمول حقوق و هوارض گمرکی می‌گردد.

در آئین نامه جدید دولت کالاهای مسافری که بیش از ۱۰۰ هزار ریال کالا همراه داشته باشد، مشمول مقررات و هوارض گمرکی موجود قرار می‌گیرد.

در ارتباط با مقررات جدید حکومت در فرودگاه‌ها و مبادی کشور کانال‌هایی بنام کانال‌های "سبز" و "قرمز" جهت کنترل و بازرسی مسافری ایجاد گردیده است. بر اساس طرح جدید اعلام شده است: مسافری که زیر ۵۰ هزار ریال کالا به همراه دارند می‌بایست از کانال‌هایی عبور کنند که چراغ سبز دارند و مأمورین گمرک با زدن مهر ترخیص آنان را به خارج از گمرک هدایت می‌کنند و افرادی که بیش از ۵۰ هزار ریال کالا همراه خود دارند از کانال با چراغ قرمز عبور داده می‌شوند تا حقوق و هوارض گمرکی مقدار کالای بیش از ۵۰ هزار ریال آنان وصول گردد.

بررسی لایحه "حمایت از اسرای آزاده شده" در مجلس

اراضی کشور جمهوری اسلامی، توسط عوامل دشمن در داخل یا خارج از کشور اسیر گردیده و پس از مقاومت دلیرانه، آزاد شده باشند.

بر اساس تبصره‌های یک و دو این ماده مزدوران رژیم نیز که در خارج از مرزهای کشور به جرم اعمال تروریستی و خرابکارانه دستگیر شده و به زندان می‌افتند، بعد از آزادی از زندان و بازگشت به ایران مشمول حمایت از تسهیلات مندرج در لایحه فوق می‌گردند.

مطابق مواد تصویب شده وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تمام بیمارستان‌ها و مراکز درمانی خصوصی موظفند نسبت به درمان رایگان اسرای آزاده شده بیمار اقدام کنند و برای اسیران آزاده شده و افراد تحت تکفلشان، دفترچه خدمات درمانی صادر نمایند.

در این مصوبات گفته می‌شود که اسیران آزاده شده مشمول مقررات ممنوعیت استخدام نخواهند بود و تمام دستگاه‌ها و نهادهای حکومت موظف شده‌اند حداقل ۱۰ درصد از پرسنل مورد نیاز خود را از میان آنان تامین کنند.

داشتن مدرک حوزه‌ای و یالیسانس جهت کاندیداتوری مجلس

مدرک تحصیلی داوطلبین نمایندگی با حساب و کتاب تغییر در ترکیب مجلس این مصوبه را گذرانده‌اند.

بر پایه اطلاعات منتشره در صورت تصویب طرح فوق در مجلس نزدیک به ۷۵ تن از نمایندگان فعلی مجلس قادر به کاندیداتوری انتخابات مجلس در دور آتی نخواهند بود. گفته می‌شود ۴۰ تن از نمایندگان وکیل فاقد تحصیلات کامل حوزه‌ای و نزدیک به ۵۵ تن از نمایندگان مکلای رژیم فاقد پایه تحصیلی لیسانس می‌باشند.

در جلسه ۱۶ مهرماه هیئت وزیران، که به ریاست رفسنجانی برگزار گردید، آئین نامه اجرایی قانون صادرات و واردات در خصوص نحوه انجام امور گمرکی کالاهای همراه مسافری به تصویب رسید. بر اساس اصلاحیه آئین نامه جدید مسافری که از طریق فرودگاه‌های مجاز وارد کشور می‌شوند مکلفند لیست کامل وسایلی را که همراه دارند در اظهارنامه‌هایی که بدین منظور در اختیارشان قرار می‌گیرد درج و به مأموران گمرک فرودگاه ارائه نمایند.

مطابق این آئین نامه چنانچه کالاهای همراه مسافر، بیش از حد مقرر در قانون باشد و همچنین در موارد بازرسیهای اتفاقی اگر مشاهده شود اظهارنامه مسافر و ارزش کالاهای همراه صحیح نبوده و تماما یا قسمتی از آن را به گمرک اعلام ننموده است، باوی "طبق مقررات مربوطه رفتار خواهد شد".

مطابق قانون جدید صادرات و واردات هر مسافر می‌تواند تا مبلغ ۵۰ هزار ریال کالای مورد نیاز خود را به عنوان کالای همراه مسافر بیاورد که تا این میزان از حقوق و هوارض گمرکی معاف می‌شود و چنانچه فردی بیش از ۵۰ هزار ریال کالا

بدنبال تظاهرات خانواده‌های اسرای جنگی در مقابل "بنیاد جانبازان" واقع در خیابان تخت طاووس تهران در اوایل مهرماه سال جاری که علیه مقامات حکومتی در بفراموشی سپردن سرنوشت هزیزانشان صورت گرفته بود، حکومت سراسیمه لایحه "حمایت از اسرای آزاده شده" را جهت بحث و بررسی و تصویب در دستور کار مجلس قرار داد تا از این طریق خشم و نفرت و اعتراض خانواده‌هایی را که سالهاست چشم‌انتظار دیدار هزیزان و بستگان خویش می‌باشند، فروکش سازد.

در این لایحه که تاکنون چندین ماده و تبصره آن در جلسات مجلس به تصویب رسیده، تسهیلاتی در زمینه‌های درمانی، آموزشی و استخدامی برای اسرای آزاده شده در نظر گرفته شده است.

ماده اول لایحه مذکور به تعریف اسیر پرداخته است. مطابق ماده اول "اسرای آزاده شده به کسانی اطلاق می‌گردد که به سبب مأموریت محوله در طول جنگ تمیمی و در جهت دفاع از انقلاب اسلامی و استقلال و تمامیت

در جلسه روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس اسلامی تصویب گردید که جهت کاندیداتوری نمایندگی مجلس و شرکت در انتخابات آن، داشتن مدرک حوزه‌ای "سطح کامل" برای ملایان و مدرک لیسانس برای مکلایان کاندیداتوری نمایندگی مجلس الزامی است.

قبل از بحث فوق در کمیسیون شوراها و تصویب آن، روال این بود که مکلایان داوطلب نمایندگی باید حداقل دارای مدرک دیپلم باشند که به نظر می‌رسد مدافعین تغییر در سطح

فرمان "هغو" حکومت برای زندانیان

رژیم امسال نیز همچون سالهای سیاه گذشته حاکمیتش در هفته "وحدت" به مناسبت سالروز تولد پیامبر مسلمین اقدام به نمایش مسخره هغو عمومی برای زندانیان نمود.

طبق درخواست یزدی رئیس توه قضائیه در تاریخ ۲۲ مهر ماه و تأییدنامه آخوند خامنه‌ای در تاریخ ۲۴ مهرماه به عنوان "رهبر ولی امر مسلمین" که گویی حیات و ممات مردمان کره ارض به فرمان و خواست او مربوط است، مقرر گردید که "هغو و تخفیف در مجازات محکومین محاکم عمومی، نظامی و انقلاب اسلامی که محکومیتشان تا تاریخ ۲۶ مهرماه ۶۸ قطعیت یافته" و محکومیت آنها مطابق موارد مطروحه در ذیل می‌باشد صورت گیرد:

- محکومیت محکومین تا حد یکسال کلا بخشوده می‌شود
- دو سوم محکومیت محکومین تا حبس ۵ سال بخشوده می‌شود
- سه چهارم از محکومیت محکومین تا حبس ۱۰ سال بخشوده می‌شود
- چهار پنجم از محکومیت محکومین تا حبس ۱۵ سال بخشوده می‌شود
- ده سال از محکومیت محکومین بالاتر از ۱۶ سال بخشوده می‌شود

- محکومین به حبس ابد، محکومیتشان به ۱۵ سال تقلیل می‌یابد
- محکومیت محکومین به شلاق‌های تعزیری بخشوده میشود

- دو سوم از محکومیت محکومین مورد اتهام اهانت به حکومت و مقام رهبری بخشوده می‌شود

- یکسال از محکومیت محکومین به جریمه که زیر عنوان پرداخت آن در زندان باشند بخشوده می‌شود

در نامه یزدی به خامنه‌ای ضمن درخواست هغو و تخفیف مجازات در محکومیت‌های فوق اعلام گردیده که محکومین، محکومین به اختلاس و ارتشاء از ۵۰ هزار ریال به بالا، افرادی که به طور مسلمانانه به راهزنی در جاده‌ها و شوارع پرداخته‌اند، واردکنندگان و سازندگان مواد مخدر و مرتکبین به اعمال منافقانه هفت به هفت و محکومین به انجام جرائم مواد مخدر که از اول بهمن ماه ۶۷ حکم محکومیت آنها صادر شده از دایره شمول هغو و تخفیف در محکومیت خارج می‌باشند.

آخوند یزدی در خواستنامه خود به خامنه‌ای ضمن مستثنی قلمداد کردن موارد فوق از شمول هغو، تأکید کرده است که اعضا سازمانهای سیاسی مخالف رژیم نیز شامل موارد هغو نخواهند بود مگر آنکه این افراد توبه کرده و توبه آنها نزد سازمان امنیت رژیم محرز شده باشد.

خامنه‌ای نیز در نامه ۲۴ مهرماه خود به عنوان جوابیه به خواست رئیس توه قضائیه اش با اجرای آن با توجه اکید به مواردی که از شمول هغو مستثنی می‌باشند، موافقت کرد.

لازم به یادآوری است که رژیم جمهوری اسلامی در یکسال پیش نیز اقدام به اجرای نمایش مسخره مشابهی تحت عنوان هغو زندانیان کرد. این نمایش در شرایطی انجام گرفت که حکم اعدام هزاران تن از فرزندان شهید و سربلند مردم یابا اجرا رآمده و یادر حال اجرا بود.

پیش فروش نقد، بازسازی نسبی

بنا به نوشته پنجشنبه ۵ اکتبر نشریه "آساهی" ژاپن، کمپانی میتسووی ژاپن اعلام کرد که ۱۰ میلیون بشکه نفت از ایران پیش خرید کرده و از این بابت مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار به ایران پرداخته است. این میزان نفت باید در خلال یکسال آتی تحویل شرکت مذکور شود.

بنا به اظهارات مسئولین شرکت میتسووی، ایران نفت خود را پیش فروش کرده تا با ارز حاصل از آن بتواند مناطق جنگ زده را بازسازی کند.

نشریه "آساهی" همچنین خبر داده است که جمهوری اسلامی ایران با چند کمپانی اروپایی نیز چنین معاملاتی داشته است.

پیش فروش ۱۰ میلیون بشکه نفت به قیمت ۱۵۰ میلیون دلار

یعنی پیش فروش هر بشکه نفت به ۱۵ دلار. این در حالی است که قیمت هر بشکه نفت در بازار جهانی در حال حاضر بیشتر از ۱۸ دلار است.

حال خبر فوق را با چند خبر و رقم دیگر تکمیل می کنیم:

- هزینه لازم برای بازسازی مناطق جنگ زده ده ها میلیارد دلار تضمین زده شده است.

- اجرای برنامه پنجساله جدید اقتصادی جمهوری اسلامی نیازمند حداقل ۸۰ میلیارد دلار ارز خارجی است در حالیکه درآمد ارزی ایران که نزدیک به تمام آن از محل فروش نفت تامین می شود در خلال ۵ سال آتی و بر اساس قیمت های فعلی به زحمت به ۵۵ میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

- ورود دولت جمهوری اسلامی

به بازار ارز آزاد و فروش هر دلار به ۱۰۰ تومان تحت عنوان عرضه ارز رقابتی به هلت محدودیت ذخیره ارزی جمهوری اسلامی گرمی از مساله ارز نگشوده است.

پس جمهوری اسلامی که برای اجرای برنامه پنجساله اقتصادی خود با کمبود درآمد ارزی معادل حداقل ۲۵ میلیارد دلار مواجه است و برای بازسازی مناطق جنگ زده نیازمند حداقل همین مقدار ارز است (خوانندگان توجه دارند که تمام هزینه های بازسازی در برنامه پنجساله منظور نشده اند) با پیش فروش نفت خود، که در منابع تامین ارز منظور شده است، آنهم به قیمتی نزدیک به ۲۰ درصد کمتر از نرخ فعلی فروش نفت می خواهد مناطق جنگ زده را بازسازی کند. بنابراین تعجب

نخواهیم کرد اگر مثلا از نماینده اندیمشک و شوش در مجلس هنگام نطق پیش از دستور روز سه شنبه ۱۸ مهر او بشنویم: "در زمینه بازسازی روستاهای قرب کرخه کوچکترین اقدامی در رابطه با رفع مشکل مردم و بازسازی مناطق جنگ زده صورت نگرفته است."

آری، کمتر کسی ممکن است دفاهیة مسئولین شرکت میتسووی از مقامات جمهوری اسلامی دایر بر پیش فروش نفت توسط ایشان برای بازسازی مناطق جنگ زده را بپذیرد. پذیرفتنی افلاسی است که گریبان جمهوری اسلامی را چسبیده و دست و پایی است که جمهوری اسلامی می زند تا مگر از این افلاس رهایی یابد ولو به قیمت تشدید تریب الوقوع افلاس.

سفیر جدید ایران در کویت

بعد از ۵ سال تیرگی روابط میان جمهوری اسلامی ایران و امیرتشین کویت، روز پنج شنبه ۱۷ مهر ماه سفیر جدید ایران استوار نامه خود را به امیر کویت تسلیم کرد.

سفیر جدید ایران حسین صادقی می باشد که قبلا ریاست بخش خلیج فارس در وزارت خارجه را در بهمه داشته است و به جای هلی شمس اردکانی سفیر قبلی حکومت در کویت که ۵ سال پیش بدنبال حادث شدن اختلافات سیاسی ایران و کویت خاک این کشور را ترک کرده بود، برگزیده شده است.

روابط سیاسی حکومت های ایران و کویت در جریان جنگ هشت ساله خلیج بدنبال اتهامات رژیم ایران مبنی بر اطمینان کمک های مالی و نظامی دولت کویت به عراق و همچنین مداخلات جمهوری اسلامی در امور داخلی کویت و انجام اقدامات خرابکارانه، تروریستی و هواپیماربایی روبه سردی گرائید.

در جریان جنگ، ایران مدعی گردیده بود که دولت کویت با در اختیار گذاشتن جزایرش به نیروی هوایی ارتش عراق در بمباران مناطق صنعتی و نظامی ایران مسئول است و به همین خاطر نیز ایران چندین بار مرزهای کشور کویت را مورد تعدید حملات موشکی قرار داد و چند

مورد نیز اقدام به پرتاب موشک به این نواحی نمود.

دو سال پیش سردمداران حکومت مبتکر حمله به سفارت کویت در تهران و اشغال آن شدند که این امر موجب گردید که بحران روابط دو کشور به اوج تازه ای رسیده و دولت کویت نیز در اقدام واکنشی نسبت به این عمل حکومت اسلامی ۵ تن از دیپلمات های رژیم را از کویت اخراج کند.

بدنبال پایان جنگ و برقراری آتش بس در جبهه های جنگ، حکومت اسلامی در جهت خارج شدن از انزوای سیاسی و منفرد ساختن عراق سعی در گسترش مناسبات با کشورها و امیرتشین های حوزه خلیج فارس منجمله امیرتشین کویت کرد.

ایران و کویت چندماه پیش بدنبال توقیف یک قایق کویتی از جانب نیروهای ایران که ظاهرا وارد مرزهای آبی ایران شده بود مذاکرات سیاسی خود را برای آزادی سرنشینان قایق و بازپس دادن آن آغاز کردند که در جریان آن ایران اقدام به آزادی سرنشینان قایق کویتی و بازپس دادن آن به دولت کویت کرد و از آن زمان تاکنون طرفین به گسترش مناسبات سیاسی مبادرت ورزیده اند.

عراق دولت ایران را متهم

به نقض آتش بس کرد

دولت عراق روز سه شنبه هفته گذشته با ارسال شکایت نامه ای به سازمان ملل متحد خواهان بررسی موارد نقض آتش بس از سوی ایران در مرزهای دو کشور شد.

در شکایت نامه عراق به سازمان ملل آمده است که ایران تاکنون حداقل ۷۳ بار به نقض قرارداد آتش بس مبادرت نموده است. در این شکایت نامه عراق مدعی گردیده است که از هنگام برقراری آتش بس هلی کوپترهای نظامی ایران بارها در خطوط مرزی به پرواز درآمده اند.

عراق همچنین مدعی گردیده است که ایران با به زیر آب بستن بخش عظیمی از نواحی مرزی قصد دارد برخی از مواضع ارتش عراق را به زیر آب فرو برده و دررفت و آمد نیروهای ارتش عراق و رفت و آمد سربازان ایجاد دشواری نماید.

ایران و عراق در طول زمان برقراری آتش بس بارها یکدیگر را متهم به نقض موارد آتش بس نموده اند.

در همین حال "یان الیاتسون" نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد قرار است در آینده نزدیک جهت از سرگیری مذاکرات صلح ایران و عراق و پیاده کردن راه حل شکستن بن بست موجود در مذاکرات به ایران و عراق سفر نماید.

"یان الیاتسون" هفته گذشته ابراز امیدواری کرد که هر چه زودتر حالت نه جنگ و نه صلح بین ایران و عراق پایان یابد و طرفین به صلح دست یابند. وی گفت به نظر می رسد که عراق اینک خواستار اجرای کامل قطعنامه در روند مذاکرات می باشد.

نماینده دبیرکل همچنین ابراز امیدواری کرد که موفق شود مقامات حکومت ایران را متقاعد سازد که هر چه زودتر به مبادله اسیران بپردازد.

اعلام مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی حکومت در نشست روز ۱۱ مهر ماه خود اعلام کرد استفاده از شطرنج و بازی با آن در صورتی که جنبه تفریح نداشته باشد و برنامه های موسیقی چنانچه حدود شرح در آن رعایت شده باشد بلا اشکال است.

تصمیم جدید "شورای عالی" در پی استعلام جهاد دانشگاهی صورت گرفت.

تصمیم "پیچیده" و "فامض" آزاد کردن بازی شطرنج و اجازه به اجراء برنامه های

موسیقی با توجه به رعایت حدود شرع در آن با حضور رفسنجانی رئیس جمهور حکومت و روسای سه قوه قضاییه مجریه و مقننه در کنار مقرهای فرهنگی رژیم که در این "شورا" عضویت دارند گرفته شد.

در همین جلسه به موسوی اردبیلی "قاضی القضاة" خلع شده رژیم به پیشنهاد هیات دارالعلم مفید، شغل ریاست این "دارالعلم" واگذار گردید

تبدیل شدن ناگهانی ده تن طلابه مفرغ

بقیه از صفحه اول

هرمزگان طی چند ماه گذشته بر اساس اطلاعاتی که بدست آورده بودند به انتظار دست یافتن به این محموله کلیه مبادی ورودی و خروجی استان را تحت نظر گرفته بودند و هر وسیله نقلیه مشکوکی را مورد بازرسی قرار می دادند. همچنین مأموران کمیته تهران نیز در بخشی از این عملیات با مأموران ژاندارمری استان هرمزگان همکاری داشتند.

گزارش‌های نیمه اول هفته دوم مهر نیز که "سرنوشت" ده تن طلابی مکشوفه را تعقیب می کردند حاکی از تغییر و تحولات در این زمینه اند؛ شمش‌های طلا با هواپیما به تهران حمل شدند و در اختیار بانک مرکزی قرار گرفتند تا کارشناسان این بانک با بدست آوردن هیار طلا قیمت محموله را بدست آورند. کاشفین نیز همراه شمش‌های طلا به تهران آمدند. همچنین رانندگان کامیون‌ها که تحویل دادسرای بندرعباس شده بودند به تهران انتقال یافتند و تحویل کمیته تهران شدند. دو راننده مذکور تحت بازرسی قرار گرفتند تا صاحبان اصلی محموله و هلت قاچاق آن به خارج از کشور مشخص شود.

انتظار می رفت که این تغییر و تحولات در نیمه دوم هفته دوم مهر به نتیجه نهایی برسند و قیمت محموله و "صاحبان اصلی" آن و هلت قاچاق آن به خارج مشخص شوند. اما رویدادها در این جهت

تحول نیابت بلکه در نیمه دوم هفته دوم مهر ناگهان نتیجه "تحولات درونی" محموله توسط وزیر کشور اعلام شد: "ده تن شمش فلزی مکشوفه طلا نبوده است،" مطبوعات که از آن پس کشف مأموران ژاندارمری را "عملیات کشف شمش‌های مزین به طلا" نام گذاشتند از قول وزیر کشور نوشتند "طی آزمایشاتی که در بانک مرکزی بر روی این شمش‌ها صورت گرفته، طلا بودن آنها رد شده است."

اما برای چنین تحول سریعی تمام پیش‌بینی‌های لازم صورت نگرفته بود. مثلا هنوز به این سوال‌ها که پس این شمش‌ها چه بوده‌اند و یا چرا جاسازی شده بوده‌اند جوابی داده نشده است. وزیر کشور در مورد جنس محموله، که حالا دیگر از آزمایش‌های متخصصین بانک مرکزی هم گذشته بود، فقط گفت: "این شمش‌ها به نوعی است که رنگ آن شبیه طلا بوده و... در پی کشف آنها یک اشتباه بزرگ صورت گرفت و کاشفین ژاندارمری قبل از بررسی و آزمایش دقیق اقدام به پخش خبر از طریق رسانه‌ها کردند." اعلام مطبوری شمش‌ها توسط وزیر کشور مسایل بسیاری را باقی گذاشت. پس بدنبال او معاون وزیر کشور و بعد هم فرمانده ژاندارمری برای توضیح این تصور یک شبه پا بمیدان گذاشتند. فرمانده ژاندارمری در

یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد که "شمش‌ها مفرغ بوده‌اند که بعلت مدم تخصص پرسنل کاشف ژاندارمری و جاسازی مشکوک آنها... همچنین شباهت زیاد آنها به طلا اشتباهی طلا تصور شده بوده‌اند. در این مصاحبه یکی دیگر از ابهامات ماجرا روشن شد: "هدف از خارج کردن شمش‌ها از مرز تبدیل آنها به ظروف و اشیاء تزئینی و کسب درآمد هنگفت" بوده است.

از این قرار عده‌ای پرسنل فاقد تخصص شمش‌های غیر طلایی را که بدقت جاسازی شده بوده‌اند و شباهت زیادی به طلا داشته‌اند و واجد این قابلیت بوده‌اند که در اثر تبدیل به ظروف و اشیاء تزئینی - در خارج از کشور - درآمدهای هنگفت بیار آورند کشف کرده‌اند. پس دیگر هیچ رگه کار "قهرمانی" یا "خداپسندانه" ای در کار این مأموران باقی نمی ماند بلکه برعکس آنها اشتباه بزرگی هم می کنند که قبل از بررسی و آزمایش دقیق اقدام به پخش خبر از طریق رسانه‌ها می کنند. بقول معاون وزیر کشور "بر فرض که شمش‌ها طلا هم بودند مسئولین ژاندارمری مجاز به انتشار این خبر نبودند."

وزیر کشور در مصاحبه فوق‌الذکر اعلام می کند: "در حال حاضر اصل گزارش و گزارش دهندگان از طریق وزارت کشور تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند" فرمانده ژاندارمری هم این که کشف مذکور در صورت صحت "در بردارنده جوایز ارزنده‌ای برای کاشفین بود" را یکی از علل ارتکاب اشتباه از جانب آنان دانسته و تنبیه پرسنل ژاندارمری را تأیید کرد. او به این

اکتفا نکرد و "هرگونه تشویق و تنبیهی از جانب جمهوری اسلامی را هدیه‌ای برای پرسنل ژاندارمری دانست."

آخرالامر مقامات جمهوری اسلامی برای تکمیل مدعیانشان فردی را هم بعنوان واسطه شمش‌ها به نمایش گذاشتند و او اعلام کرد که شمش‌ها را از میدان شوش به قیمت ۸۱ تومان خریده و به قیمت ۸۳ تومان به یک افغانی فروخته است. او همچنین اطمینان داد که چنین شمش‌های مفرغی به وفور در میدان شوش وجود دارد و هر قدر می خواهید می توانید تهیه کنید.

باین ترتیب پرونده شمش‌ها مختومه اعلام شد اما آنچه برای مردم روشن نشد یکی اینکه دست کدام باند حکومتی در خروج قاچاق ده تن "مفرغ" در کار بوده (نیویورک تایمز این اقدام را به هلی‌اکبر محتشمی نسبت داده است)، کدام باند دیگر حکومتی بدل زده و اکسیر کدام باند سومی با تبدیل طلاها به مفرغ به قائله خاتمه داده است؛ و دوم این که آیا آن محموله دیگری که مأموران ژاندارمری بر اساس اطلاعات بدست آمده از چند ماه گذشته در انتظار دست یافتن به آن نشسته‌اند هنوز از مرز عبور کرده‌است یا نه. گویا مسئولین رژیم از این واقعه بخوبی تجربه گرفته‌اند. در تاریخ ۲۵ مهر در نشریات اعلام شد که ۵ تن مس هنگام خارج کردن از مرز ترکیه کشف شده است. مسئولین دیگر تجربه گرفته‌اند که از آغاز موضوع را به شکل مس و مفرغ و قیره معرفی کنند تا گریبانگیر و دست و پاگیر نشود.

وزیر کشور اعلام کرد

۱۰ تن شمش فلزی مکشوفه

فرضان در مرزهای جنوبی،

طلا نبوده است

شماره ۱۸
شماره ۱۱ مهر ۱۳۶۸
۲ رجب‌الاول ۱۴۱۰
۴ اکتبر ۱۹۹۱ - شماره ۱۷۲۵

شمشهای طلای قاچاق، زیر محک کارشناسان بانک مرکزی

ده تن طلای قاچاق کشف شده به تهران حمل شد تا بانک مرکزی توسط کارشناسان خود عیار آنها بخت آورد. این میزان طلا که بصورت همی می باشد، هفتصدی گشته توسط مأموران ژاندارمری استان هرمزگان از بندرعباس به تهران گزارش خبرنگار ما از سرنوشت ده تن طلای کشف شده توسط مأموران ژاندارمری استان هرمزگان حاکی است: پی از کشف شدن حلقه طلا از دو کامیون حمل آن در بندر کساره به بندرگانه رانندگان کامیون‌ها تحویل دادسرای بندرعباس شدند و شش‌های طلا به هواپیما به تهران حمل شد و در اختیار بانک مرکزی قرار گرفت. تا کارشناسان این بانک با بدست آوردن

میر آن قیمت تقریبی طلاها را بدست آورند. مأموران کشف این شمش‌ها نیز که از با موشباری از جاسازی دو کامیون بدست آوردند، به همراه شمش‌های طلا به تهران آمدند.

پایه این گزارش، مأموران ژاندارمری استان هرمزگان طی چند ماه گذشته گزارش کرده‌اند که بدست آورده بودند به انتظار دست یافتن به این محموله کلیه مبادی ورودی و خروجی استان را تحت نظر گرفتند و هر وسیله مشکوکی را مورد بازرسی قرار دادند. همچنین مأموران کمیته تهران نیز در بخشی از این عملیات با مأموران ژاندارمری استان هرمزگان همکاری داشتند.

پس بدنبال او معاون وزیر کشور و بعد هم فرمانده ژاندارمری برای توضیح این تصور یک شبه پا بمیدان گذاشتند. فرمانده ژاندارمری در

عاشق قشم

”عاشق“ و شاعر آذربایجان

درگذشت



عاشق قشم، استاد و سرآمد عاشق‌های آذربایجان در تبریز درگذشت. بی‌شک کسانی که با هنر عاشقی آذربایجان از دور و نزدیک آشنایی دارند نام عاشق قشم برایشان نامی آشناست نام کسی که از هنرفران جوانی تا آخرین روزهای عمر خویش، همواره در خدمت ادبیات و موسیقی فولکلوریک آذربایجان بود.

قشم در منطقه شبستر، زادگاه موجز شبستری، شاعر نامی و مردمی آذربایجان بدنیآمد دوران نوجوانیش با سلطه دیکتاتوری رضاخان مصادف بود. تریحه و ذوق سرشار هنری بزودی این زاده و پرورده توده‌های زحمت را به سوی خلقی‌ترین هنر آذربایجان یعنی عاشقی سوق داد. عاشق در هنر و ادبیات آذری از دیرباز بیانگر احوال و عوالم و آرزوهای توده‌های مردم در قالب سروده‌ها و آهنگ‌های زیبا و دلنشین با زبان کاملا مردمی است. این هنر اسطوره‌های قهرمانان تاریخ را به مثابه نمادهای پایداری عدل در مقابل ظلم و ستم‌دیدگان در مقابل ستمگران، در دورترین نقاطین دیار در روستا و شهرها زنده نگه داشته است. در دوران ستمشاهی پهلوی و افعال سیاست زور و دیکتاتوری که شووینیسیم فارس علیه فرهنگ و سنن خلق‌های ایران یکی از نمودهای بارز آن بود، عاشق در آذربایجان به مثابه سنگری مهم مردمی همواره در مقابل این سیاست پایداری میکرد. از سال‌های ۴۰ و ۵۰ حکومت شاهنشاهی با اوج گیری مبارزات توده‌ای، عاشق‌ها نیز بیش از پیش و با کیفیتی نو قدم به صحنه مبارزه

گذاشتند. در این سال‌ها پیوند محکمی بین هنر عاشقی و روشنفکران مبارز برقرار شد که بیانگر نزدیکی مبارزات توده‌ای با مبارزه روشنفکران بود. در قهوه‌خانه‌های تبریز مردم و دانشجویان و روشنفکران در کنار هم می‌نشستند و زبان و ساز عاشق بیانگر درد و رنج مردم و خواسته‌های آنان بود. هرچا حرکتی علیه ستم ملی و فرهنگی بوجود می‌آمد ساز عاشق در پیشاپیش آن به عنوان سلاحی همیقا مردمی به چشم می‌خورد. طبیعی بود که عاشق‌ها و هنر عاشق دائما زیر فشار و سرکوب رژیم وقت قرار گیرد. دستگیری عاشق‌ها و محروم کردن پاتوق آنها از کارهای روزمره ساواک بود.

عاشق در روزهای انقلاب نقش بی‌بدیلی در بیداری ذهن توده‌ها بازی میکرد.

عاشق قشم در این میان چهره‌ای آشنا توانمند بود. وی در این سالها به عنوان پیشکسوت عاشقان آذربایجان در اقلب مراسم و مجالسی که از طرف نیروهای انقلابی ترتیب داده می‌شد با ساز زیبا و زبان شیوای خود در بسجج توده‌ها نقش مهمی ایفا می‌کرد. زحمتکشان اراده پولادین خود را که در ساز قشم به هیبت و صلابت کوههای سهند و سبلان در می‌آمد می‌دیدند و می‌شناختند. عاشق قشم همیشه با ساز خود در جشن‌های اول ماه مه که از سوی سازمان ما ترتیب داده می‌شد شرکت داشت. شهرت و محبوبیت این هنرمند مردمی وی را به چهره‌ای آشنا در آذربایجان شوروی بدل کرده بود. شعرای آذربایجان شوروی چندین شعر در وصف شخصیت عاشق قشم سروده‌اند. شعرها و ساخته‌های وی در برنامه‌های رادیو باکو

مشتاقان زیادی داشت. شاگردان وی که از عاشق‌های ارزنده آذربایجان هستند، در حق استاد خود چندین آهنگ و سروده ساخته‌اند.

بعد از تسلط رژیم جهل‌پرور و هنر ستیز اسلامی، هنر عاشقی نیز به بلای هنرستیزی و خشم ضد مردمی رژیم گرفتار شد. ساز عاشق‌ها را شکستند و آنان را روانه زندان‌ها کردند. بعدها رژیم تلاش میکرد که این هنر دیرینه و همیقا مردمی خلق آذربایجان را در خدمت خود گیرد و ”اسلامیش“ کند. وزارت ارشاد اسلامی سعی داشت که این هنرمندان را به مجیزه‌گویی جنگ و فییره وا دارد اما با مقاومت شدید آنان روبرو شد. عاشق‌ها به خواست رژیم گردن ننهاندند و دوباره با ساز خویش به خواستگاه اصلی خود یعنی میان توده‌های مردم عقب نشستند.

عاشق قشم نیز علیه رژیم این فشار از ساز خود که همانا زبان گویای توده‌های زحمت و سنت‌های انقلابی مردم بود جدا نشد. با وجود سنی بالاتر از ۸۰ سال تا این اواخر

گرمی بخش محافل و مجالس مردم و هنردوستان آذربایجان بود. برای بزرگداشت این شاعر و هنرمند توده‌های زحمتکش، هزاران نفر از مردم تبریز و شهرهای مختلف آذربایجان در مراسم یادبود وی شرکت کردند. گفته می‌شود مجلس یادبود عاشق قشم یکی از پرشکوه‌ترین مراسم سال‌های اخیر در تبریز بوده است. این مراسم در مسجد کبود برگزار شد.

مامورینی از رژیم قصد داشتند عاشق را در مقبره شعرای تبریز به خاک بسپارند، اما بنا به هلاکه شدید اهالی زادگاهش به وی و تقابل و اصرار آنها که عاشق مردم باید در کنار مردم خویش بیارامد، پیکر عاشق قشم در زادگاهش به خاک سپرده شد.

بی‌شک ساز قشم به عنوان سلاح او در دست آیندگان، یادگاری گویا از وی در میان عاشق‌ها و در هنر و ادبیات فولکلوریک آذربایجان، زنده نگه‌دارنده یاد این هنرمند ارزنده خواهد بود.

کمک‌های مالی رسیده

برای واحدهای فدایی داخل کشور از نوربرگ - آلمان	۶۳۵ مارک
فدرال	
از نوربرگ - آلمان فدرال	۵۰ مارک
از هامبورگ - آلمان فدرال	۳۰ مارک
از هامبورگ - آلمان فدرال	۵۰ مارک
رفیق‌های از سوئد (به خانواده‌های زندانیان سیاسی)	۲۰۰ دلار

با جمع‌آوری کمک‌های مالی

فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی

یاری دهید!

چگونه بر انشعاب غلبه کردیم

کمونیستی بود، بیاد بیاوریم: اگر چه آشکارا بیان نمی‌شد ولی به مدل خصوصی از جامعه سوسیالیستی تقدم داده می‌شد و هر کمونیستی که طور دیگری فکر می‌کرد نفی و طرد می‌شد و این گاهی شامل کل یک حزب هم می‌شد.

چندی پیش من به سندی برخورد کردم که در ژوئن سال ۱۹۷۷ توسط گروهی از رفقای به اصطلاح طرفدار شوروی از طرف کمیته مرکزی حزب تصویب شده بود. در حاشیه بگویم رفقا "دلوریس" ایباروری و "ایگناسیو گایه‌گو" هم جزو این رفقا بودند. در این سند علیه دخالت حزب کمونیست شوروی در مسائل داخلی حزب که از طرف مجله "عصر جدید" در مقاله‌ای بیان گردید اعتراض شد. و از حق حزب جهت تکامل نظریاتش و برای یافتن راه دمکراتیک رسیدن به سوسیالیزم در اسپانیا دفاع بعمل آمد.

حالا خوشحالی ما را در نظر بگیرید که بعد از سال‌ها میخائیل گارباجف در دیدارش از یوگسلاوی توضیح می‌دهد که هیچ مدل استاندارد برای سوسیالیزم وجود ندارد و هر حزبی با توجه به شرایط خاص ملی بایستی راه خود را طی کند. روزی خواهد رسید که ما نه تنها شرایطی را که منجر به انشعاب گردید هم چنین تمامی دلایل پیچیده‌ای را که باعث تضعیف نفوذ حزب و کاهش یافتن اعضای آن شد تحلیل کنیم.

اما امروز از شناختن برای شکوفایی کمک بگیریم شناختی که هیچ‌گاه مجاز نبودیم آنرا به دست فراموشی بسپاریم. با توجه به وجود نظرگاههای مختلف در رابطه با مسائل مشخص ما کمونیست‌های اسپانیا می‌توانیم به یک حزب تعلق داشته باشیم و مشترک‌المنافع برداریم

* - انشعاب کمونیست‌های اسپانیا چه تاثیری بر روی وضع داخلی اسپانیا و مبارزات کارگران و نفوذ کمونیست‌ها در جامعه داشت؟

ایگناسیو گایه‌گو: خیلی منفی. طبیعتاً نمی‌شود برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت در قبال جوانب منفی، کارگران سرزمین مان را مسئول دانست و یا یک قسمت از تقصیر را گردن حزب سوسیالیست کارگران انداخت. اما واقعیت این است که انشعاب در حزب باعث شد تا تعداد زیادی از انسان‌های مترقی و میلیون‌ها

"مخالف شوروی" هستیم. با توجه به امکانات امروزی بنظر می‌رسد که ما اعضای حزب کمونیست اسپانیا همه امکانات موجود در آن زمان را برای خروج از بحران بکار نبردیم. بعدها معلوم شد که با بیرون رفتن همه‌ای از حزب بحث‌ها و مجادلات پایان نگرفت. کمی بعد از آن اعضای زیادی به‌مراه "سانتیائو گویو" از حزب جدا شدند.

خلاصه کنم من تمام این پروسه را بعنوان بحران ارزیابی می‌کنم بحرانی که در حزب به اشکال مختلف به این خاطر بوجود آمد که ما توانایی یافتن متد صحیح بحث با یکدیگر را نداشتیم.

فرانسیسکو پالرو: بله انشعاب فیر منتظره نبود - پروسه اختلافات در حزب از سال ۱۹۷۷ شروع به نشان دادن خود کرد. رفتاری به این دلیل که از وضعیت بحرانی حزب ناراضی بودند. از حزب جدا می‌شدند. در آن زمان از شیوه‌هایی استفاده شد که اجازه بحث و تبادل نظر را نمی‌داد و به پرنسپ سانترالیزم دمکراتیک اهتا نمی‌کرد و سانترالیزم بوروکراتیک را به شکل زنده‌ای طلب می‌نمود. در همل اختلاف نظر با گروه‌های رهبری منجر به اخراج از حزب می‌شد. بدین وسیله حزب بطور جدی تضعیف شد و یک تشکیلات دیگر کمونیستی بوجود آمد. بعدها ما این مرحله را تحلیل کردیم و جنبه‌های منفی آن را تذکر دادیم. این جنبه‌ها عبارت بودند از: ۱ - دیکته کردن قانونی از بالا به پائین ۲ - جدایی حزب از توده‌ها ۳ - ضعف تئوریک حزب.

علاوه بر اینها در رابطه با اوج گرفتن بحران فاکتورهای بین‌المللی بخصوص وضعیت جنبش کمونیستی دخیل بود. رفیق "گایه‌گو" در نتیجه‌گیری خود حق دارد که می‌گوید انتقاد ما به کشورهای سوسیالیستی اغلب تندو تیز بود و اشکال فیر واقعی داشت. سخت‌گیری کم یا زیاد در آن موقع یک هلاکت مشخصه برای قسمت بزرگی از جنبش بین‌المللی

در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۹ در مادرید، کنگره اتحاد کمونیست‌های اسپانیا تشکیل شد در این کنگره تصمیم گرفته شد که اعضای حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا به رهبری ایگناسیو گایه‌گو متحد بشوند و تصمیم بر این شد که حزب اسم تاریخی خود را هم چنان نگه دارد. مجله صلح و سوسیالیزم در شماره ۴ سال ۱۹۸۹ خود در مورد ریشه‌های انشعاب، مشکلات و راه‌های غلبه بر آن، مصاحبه‌ای با ایگناسیو گایه‌گو عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا و فرانسیسکو پالرو عضو هیات سیاسی و دبیر خانه کمیته مرکزی این حزب، ترتیب داد که در این شماره به چاپ آن اقدام می‌کنیم:

احساسات دست بالا را داشت و نتیجه این بود که تفاوت‌های ایدئولوژیک بر روی روابط کاری تاثیر می‌گذاشت.

برای من این سؤال مطرح شد که آیا از حزب جدا شوم و یا در آن بمانم. تصمیم من متأثر بود از اینکه در "کاتالونین" و جاهای دیگر تعداد زیادی از کادرها و اعضا از حزب اخراج شدند و بدین ترتیب انشعاب در حزب شروع گردید.

می‌خواهم هم چنین یک مسئله مهم را یادآوری کنم: در این سال‌ها من شدیداً مخالف سیاستی بودم که از طرف گروه "سانتیائو گویو" در رابطه با شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی اجرا می‌شد. سرزنش‌ها و ملامت‌ها علیه این کشورها به شکل نامطلوبی بیان می‌شد بطوری که آدم احساس می‌کرد که منتقدین عقل سلیم ندارند. البته همه آن چیزهایی که می‌گفتند قلم نبود. ظواهر منفی در کشورهای سوسیالیستی خیلی‌ها را ناآرام کرده بود. اما من در اینجا از خودم انتقاد می‌کنم که من تند بودن انتقادات آن موقع را در رابطه با ظواهر منفی رشد سوسیالیزم بعنوان حمایت از دشمن طبقاتی و خیانت به روابط دیرینه‌مان با شوروی می‌دیدم. من چنان شدیداً این شیوه را رد می‌کردم که برایم نام "طرفدار شوروی" تا آخر زندگی‌ام باقی خواهد ماند. بر خلاف آن من یک کمونیست ساده بوده و خواهم ماند. من به لحاظ اصول فکری خود نه "طرفدار شوروی" و نه

* - برای آنکه خوانندگان تصویر کامل‌تری از پروسه بهبودی بیماری کمونیست‌های اسپانیا داشته باشند لطفاً دلایل بیماری را که حزب از اواخر سال‌های ۷۵ و اوایل سال‌های ۸۰ دچار آن شده بود، توضیح دهید.

ایگناسیو گایه‌گو: این بیماری که انشعاب نامیده می‌شود توانست در کلیت حزب گسترش یابد اختلاف عقیده در بین کمونیست‌ها در رابطه با مسائل مهم از جمله سیاست داخلی و مشکلات بین‌المللی باعث تضعیف حزب شده بود.

موارد اختلاف بعد از کنگره ۹ حزب کمونیست اسپانیا در سال ۱۹۷۸ به حالت انفجاری درآمد و سال‌ها ادامه یافت. مباحثات بیشماری را چنان با تعصب پیش بردیم که اصلاً فراموش کردیم که چگونه حزب روز به روز نفوذش را از دست می‌دهد. در انتخابات پارلمان ۱۹۸۲ ما یک میلیون رای از دست دادیم. آن موقع همه از خود سؤال می‌کردند چه پیش آمده است. هرکس توضیحی ارائه می‌داد. من بطور مثال نظرم این بود - و این را بطور آشکارم گفتم - بحران به این مسئله مربوط می‌شود که پرنسپ‌های مارکسیسم لنینیسم به فراموشی سپرده شده بودند و حزب در رابطه با تزهایی جهت‌گیری کرد که با اروتکومونیزم همسان بودند. البته مسئله تنها به این اصطلاح (اروتکومونیزم) محدود نمی‌شد. هیچ‌کدام از ما نمی‌توانیم به خود بیاییم که بهترین متد را برای حل تضادها انتخاب کردیم. اغلب

اسپانیایی که بطور جدی برای تغییر و تحولات اجتماعی و برای دموکراسی مبارزه می‌کردند، هم اهتمامشان را نسبت به کمونیست‌ها از دست بدهند و هم یک اکثر تاتیو چپ واقعی نداشته باشند. فرانسیسکو پالرو: انشعاب بروی کارگران و تمام جامعه اسپانیا تاثیر جدی منفی گذاشت. بدین ترتیب حکومت "گوناگونی" فرصت یافت که سیاست راست خود را که قبلاً امکان‌شان را نداشت پیاده کند. نفوذ حزب چگونه بود؟ در پایان دیکتاتوری فرانکو حزب ما مهم‌ترین نیروی تشکل یافته اپوزیسیون بود. در انتخابات پارلمان ۱۹۷۹ تعداد ۲ میلیون رای بدست آورد و ۲۳ نماینده در پارلمان داشت. اما در انتخابات بعدی که سه سال بعد صورت گرفت حزب ما ضربه بزرگی خورد بطوری که حزب تنها ۴ نماینده در مجلس داشت.

مسئله بسیار بدتر این بود که ما چهار تا پنج سال ۹۰ درصد نیروی خود را صرف بحث‌های بی‌فایده کردیم و بدین ترتیب شرایط ایده‌آلی را برای سیاست راست بوجود آوردیم. حتی انسان‌هایی به میدان آمدند که شکست و نابودی کامل جنبش کمونیستی در اسپانیا را پیش‌بینی می‌کردند. وقتی که واقع بینانه نگاه کنیم ما جدا به یک چنین نقطه‌ای رسیدیم که راست‌ها هر کاری دلشان می‌خواست می‌توانستند انجام دهند.

ایگناسیو گایه‌گو: من می‌خواهم اضافه کنم که انشعاب برای نیروهایی که قصد نزدیکی به کمونیست‌ها را داشتند موانعی ایجاد کرد، آنها از آنجایی که در حزب وضعیتی غیرعادی مشاهده می‌کردند حالت صبر و انتظار در پیش گرفتند و حاضر نبودند که عضو حزب بشوند. در اسپانیا این کمونیست‌های بدون کارت عضویت حزب، جذب کمیسیون‌های کارگری و سازمان‌های دیگری که در آنها فعالیت اکتیو کمونیست‌ها قابل لمس بود می‌شدند و بالاخره خیلی از اعضای حزب هم وظایف خود را انجام نمی‌دادند و منتظر بودند تا وضعیت روشن بشود.

فرانسیسکو پالرو: می‌خواهم مثالی بزنم که نشان می‌دهد چگونه وضعیت به طرف بهتر شدن است. در طی پروسه اتحاد ما توانستیم تعداد اعضای خود را در دانشگاه مادرید به دو برابر برسانیم یعنی ما

توانستیم آنهایی را که کمونیست بودند ولی بخاطر هامل انشعاب به عضویت حزب در نمی‌آمدند جذب حزب کنیم. * - اینطور که به نظر می‌آید سعی و کوشش برای بوجود آوردن اتحاد، قوی‌تر از تمایل به جدایی بود. چه مشکلاتی در این پروسه اتحاد وجود داشت چه چیزی باعث شد که بر آنها غلبه نماند؟

ایگناسیو گایه‌گو: وقتی که کمونیست‌ها کارشان به انشعاب می‌گشود تمایلی هم بوجود می‌آید که می‌خواهد وضعیت را به همین شکلی که هست، نگهدارد. از یک طرف، روابطی را که سال‌هاست بوجود آمده خراب می‌کند و دوستی‌های قدیمی را می‌شکند و از طرف دیگر هادات جدیدی بوجود می‌آید مثلاً سعی می‌شود دلایلی برای اثبات حقانیت امر انشعاب تراشیده شود و تهمینق پیدا کند. سعی می‌شود که با یکدیگر بجنکند و حتی در آنجایی هم که هیچ مخالفی نیست یک مخالف پیدا کنند و این به امر اتحاد ضربه‌های جبران ناپذیری وارد می‌کند. در قطعنامه‌ها، ما همیشه تاکید می‌کردیم که همه خواهند اتحاد هستیم ولی هر کسی برداشت خاص خود را از این مسئله داشت و امیدوار بود که گروه مخالفش را در خود حل بکند تا از این طریق تشکلش را گسترش بدهد و قوی‌تر از دیگران بشود. بهر حال انشعاب به نظر من تنها با تجربیات تلخ همراه نبود، بعضی اوقات ما خشنود بودیم از اینکه در میان همگراگان هستیم.

بهر صورت نسبت به سرنوشت حزب در رنج بودیم بی‌جهت هم نبود که ما از همان روز اول جدایی تشکیلاتی، وظیفه وحدت دوباره حزب را بر اساس مارکسیسم لنینیسم از طریق یک کنگره اتحاد در مقابل خود قرار دادیم. اما بحث و مجادله ما ادامه پیدا کرد تا اینکه بالاخره لحظه نزدیکی نظرها پیرامون یک مسئله سیاسی رسید. منظورم ایجاد "اتحاد چپ" است که در آن هر دو حزب شرکت داشتند. ما مشترکاً کارزار انتخاباتی را پیش می‌بردیم و تحت این شرایط جدید با یکدیگر آشنا می‌شدیم و بیش از پیش به این نتیجه رسیدیم که وحدت عملی و ضروری است. ما نفوذ توده‌ها را هم احساس می‌کردیم. در زمانی که حزب کمونیست هم چنان منسحق بود مسئله اتحاد در جنبش کارگری قدرت می‌گرفت. نیاز

کارگران به اتحاد برای ما کمک بزرگی بود. بدون اضرار میتوان گفت که وظیفه تسریع امر اتحاد از طرف کارگران و زحمتکشان و جنبش خلق به دوش ما گذاشته شد. فرانسیسکو پالرو: من هم می‌خواهم تاکید کنم که میل به اتحاد نه تنها خواست کمونیست‌ها بلکه انعکاس ضروریات در اسپانیا بود. این توده‌های خلق بودند که ما را در جامعه‌ای دارای سنت‌های پیشرفته و پتانسیل چپ، در رابطه با مسئله اتحاد تحت فشار می‌گذاشتند. دو امکان برای غلبه بر امر انشعاب وجود داشت. اول اینکه توافقی بین رهبران بوجود آید و فعالیت‌ها را در ارگان‌های رهبری تقسیم کنند. دوم آنکه در همه سطوح و دوایر برای بوجود آوردن یک اتحاد واقعی تلاش شود. راه حل دوم با مشکلات بزرگتری همراه بود ولی ما راه دوم را انتخاب کردیم. سعی ما برای اتحاد خودش را در کار مشترک در رابطه با سندیکاها و در بحث‌های مشترک پیرامون مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و هم چنین در کار مشترک در رابطه با انتخابات اتحاد چپ برای پارلمان، شمر داری‌ها و پارلمان اروپا نشان می‌داد. ارتباطات عمل‌روزانه، ما را به این نتیجه رساند که اتحاد امکان پذیر است.

مشهور است که سند اتحاد که در کنگره ژانویه تصویب شد، پلاتفرم سیاسی ایدئولوژیک پروسه اتحاد بود. اهمیت این سند در چیست؟ فرانسیسکو پالرو: این سند نتیجه و سنتز کار مداوم نمایندگان دو حزب در طول سه سال بود. کمیته مرکزی حزب با سند پیشنهادی کمیسیون مربوطه بعد از بحث مفصل با تنها یک رای مخالف موافقت کرد. رای گیری با چنین نتیجه‌ای تاکنون در کمیته مرکزی حزب پیش نیامده بود این نشان می‌دهد که در این سند تمام طرح‌ها و پیشنهادات مشخص وارد شده بود. طبیعتاً رفقای هم وجود داشتند که با این و یا آن مسئله سند موافق نبودند. اما توافق نظر به این شکل تا آن موقع غیر قابل تصور بود. مهم‌ترین مسئله در سند اتحاد، روح خلاق آن بود. در سند خیلی کمتر راجع به این که کمونیست‌ها چگونه درباره خود قضاوت می‌کنند درج شده بود سند بیشتر نظر کمونیست‌ها را راجع به جامعه اسپانیایی امروز و طبقه کارگر آن بیان می‌کرد زیرا که

حزب هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای تغییر جامعه است در سند دوباره تاکید می‌شد: ما کمونیست هستیم و به همین خاطر وارثان ایده‌های مارکس و انگلس و لنین و دیگر متفکرین انقلابی، یک حزب کمونیست اجازه ندارد سنت‌ها و ریشه‌های تاریخی خود را انکار کند. برعکس حزب بایستی که ویژگی و خصوصیت خود را حفظ کند و بایستی که خلاقانه بهترین تجربیات جنبش کمونیستی بین‌المللی را مورد استفاده قرار دهد. اما ما باید تاکید کنیم که ما با رفرم‌هایی که در شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به پیش می‌رود احساس همبستگی می‌کنیم. ما تمایلات جدید در اروپای سرمایه‌داری را تحلیل می‌کنیم و سیاست اتحادی را به پیش می‌بریم که به کمونیست‌ها و مشخصاً به حزب ما امکان می‌دهد از انزوای خارج شود و به یک اکثر تاتیو دولتی - اجتماعی تبدیل شود تا بتواند روزی حکومت را بدست گیرد. باطمینان می‌توان گفت که در آینده هم نزد ما بحث‌های شدید جریان خواهد داشت اما این بحث‌ها و اختلاف نظرهای دیگر همان بحث‌ها و اختلاف نظرهایی نخواهد بود که تا ۱۴ ژانویه امسال بین رفقای که متعلق به حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا بودند وجود داشت بلکه نظرگاههای مختلف است درباره مبارزات یک حزب کمونیست. این تنها زندگی و بحث‌های تئوریک است که نشان خواهد داد حقیقت کجاست. ایگناسیو گایه‌گو: من می‌خواهم جنبه خلاقانه بحث‌ها را که از آنها این سند بیرون آمد بر جسته کنم. راجع به مشکلات ما کمونیست‌های اسپانیا - مارکسیسم، لنینیسم و انقلاب اکتبر - بشکلی بحث صورت گرفت که در گذشته اصلاً سابقه نداشته است. با آنکه گذشته‌ای نه چندان دور هر کسی نظر خود را کاملاً درست و گفته‌های خود را حقیقت مطلق می‌دانست، ولی از آن پس بحث‌های ما به شکلی رفیقانه پیش رفت. این دیگر اختلاف نبود بلکه جستجوی مشترک ما برای نظریات منطقی در رابطه با مسائل مشخص بود.

بایستی متذکر شوم که در کنار سند اصلی اسناد زیاد دیگری هم در قاعده حزب در استان‌ها و مناطق تصویب شد. تمام سازمان‌ها در همه سطوح بر روی پلاتفرم ۱۱ بقیه در صفحه ۱۱

اگون کرنس دیبرکل حزب متحد سوسیالیست آلمان شد

بقیه از صفحه آخر

خود را در وفاداری غیر قابل تردید به اهداف انقلابی طبقه کارگر، جهان بینی مارکسیستی لنینیستی و استقرار سوسیالیسم در خاک آلمان وقف کردم. من تشکیل و تکامل موفقیت آمیز جمهوری دمکراتیک آلمان که دستاوردهای آن را در چهلمین سالگرد تشکیل این جمهوری مشترک بر شمریم، به عنوان نقطه عطف مبارزه حزب ما و عملکرد خود به عنوان کمونیست می نگریم. من از هیئت سیاسی، کمیته مرکزی، همزمان خود در دوران سخت مقاومت ضد فاشیستی، اعضای حزب و همه مردم کشورمان، بخاطر ده سال کار مشترک و پرحاصل در جهت رفاه خلق تشکر می کنم. من در آینده نیز با تجارب و مشاورت خود در اختیار حزب خواهم بود. من برای حزب و رهبری آن کماکان آرزوی وحدت و انسجام برای کمیته مرکزی آرزوی موفقیت های بیشتر می کنم.

دیبر کل جدید حزب متحده سوسیالیست آلمان در روز چهارشنبه ملی یک پیام یک ساعت تلویزیونی سخنانی خطاب به مردم جمهوری دمکراتیک آلمان ایراد کرد که خلاصه ای از آن به قرار زیر است: اگر از من سوال کنند در این لحظات محرک من چیست، فقط یک پاسخ می توانم بدهم: اندیشه همکاری مشترک وسیع، صحبت و مباحثه با یکدیگر مهم است، درک متقابل ضروریست. اما همکاری مشترک، ترسیم چشم اندازهایمان و حکومت مبتنی بر ادراک از همه تعیین کننده تر است. ما فقط در این صورت قادر خواهیم بود توقعات وسیع اعضای حزب و همه اهالی کشور را در دوازدهمین کنگره حزب و در شکل دادن به آینده خود بر آورده سازیم...

مسلم است که ما در ماه های گذشته تحول اجتماعی کشورمان را در جوهر خود به اندازه کافی واقع بینانه ارزیابی نکردیم و به موقع نتیجه گیری های درست اخذ ننمودیم. ما با پلنوم امروز نقطه عطفی را از سر گذرانده ایم... جمهوری دمکراتیک آلمان، میهن همه شهروندان خود - مستقل از موضع اجتماعی و جهانی بینی یا مذهب -

می باشد، همانطور نیز باید وظیفه همه محسوب شود که اندیشه های خود را در سیاست دولت دخیل کنند. همانگونه که قانون اساسی جمهوری ما پیشبینی کرده است اتحاد نیروهای دمکراتیک کشور در جبهه ملی تکیه گاه جامعه سوسیالیستی باقی خواهد ماند. ما به مثابه حزب طبقه کارگر، کارگران کشورمان، طبقه راهبر جامعه مان را فرامی خوانیم در کنار ما خود را در برابر وظیفه تقویت بیشتر سوسیالیسم قرار دهند... مشکلاتی را که کارگران بر شمرده اند - گسست در تولید، تحقق ناکافی اصل به هر کس به اندازه کارش، فقدان ناموجه رابطه ای صحیح میان تولید و عرضه کالا، کاربرد ناکافی دانش علمی - فنی در تولید، ناکافی بودن کارایی صادرات خارجی و سایر مسائل - در دستور روز وظایفی قرار دارند که باید حل شدند...

ما همه را فرامی خوانیم همکاری کنند، برنامه ریزی نمایند و در حکومت مشارکت داشته باشند. بگذارید آنچه را باید انجام دهیم، مشترکاً انجام دهیم.

برنامه ما گسترش جامعه سوسیالیستی و نوسازی دائمی آن است. در این خصوص سکونی وجود ندارد و نباید داشته باشد. سوسیالیسم نه یک نظام اجتماعی بسته بلکه نظامی انقلابی است. تضاد میان آنچه بدست آمده و آنچه بدست نیامده، میان آرمان و واقعیت، ما را بسوی نوسازی دائمی سوق می دهد که تنها یک هدف دارد: رفاه انسان در صلح!

مشکلات در اقتصاد ملی، تجارت داخلی و بازارهای خارج افزایش یافته اند. مسائل حل نشده در تامین، مبتنی بر نیاز و با کیفیت و وسایل معاش مردم، بر هم انباشته هر کس به اندازه کارش افزایش یافت. سیاست دست مزد ها، سوبسیدها و خدمات اجتماعی به شکلی زنده مورد مباحث قرار می گیرند. حفظ محیط زیست طبیعی ما را نگران کرده است.

آنجایی که آرمان های دست نیافته به عنوان بدست آمده نگریسته شدند و در ورای موفقیت های غیر قابل تردید،

تناقضات زندگی از دیده بدور مانند، باید گفت که ابتکارات ترمز می شوند.

اگر مردم کشور ما به عنوان همکاران متخصص و روشن فکر حزب و دولت عمل کنند، حتی یک حقیقت تلخ نیز، محرک عمل مشترک در راه منافع مشترک خواهد بود. به علاوه: تواضع به تن ماضیلی برانزده تر است تا خودنمایی...

هر عضو حزب، مستقل از ارزش و مقام خود، موظف است علیه ذهنگرایی، بی توجهی به جمع و زیباسازی مصنوعی بر خیزد و بر ضد گرایش به سرمست شدن از موفقیت ها و سرکوب انتقاد مبارزه کند... ما نمی توانیم نادیده بگیریم که قوت سنتی حزب و روابط مبتنی بر اعتماد آن با خلق تضعیف شده است...

بیش از صد هزار نفر - در این میان بسیاری مردم جوان - کشور ما را ترک کرده اند. این نشانه دیگری از موقعیت بغرنجیست که بوجود آمده، ما مهاجرت آنها را یک خسارت عظیم میدانیم. هر یک از ما می تواند اشکهای بسیاری از مادران و پدران را در نزد خود مجسم کند. ما خسارات انسانی و سیاسی و اقتصادی زیادی تحمل شده ایم. این زخم به این زودی شفا نخواهد یافت.

اما کم نبودند اظهارات مهاجرانی که در برابر دوربین تلویزیون های فربی عزت و فرور والدین، دوستان، همکاران و بسیاری از ما را جریمه دار کردند.

اما واقعیت فوق ما را از انجام این وظیفه رهانمی کند که نزد خود و در پیرامون مان در مورد هلل اینکه این همه انسان به ما پشت کردند تعمق کنیم. فقط در صورتی که بدون پروا به هللی که در جامعه ما پدید آمده اند بپردازیم قادر خواهیم بود به کسانی که هنوز هم در فکر سفر هستند محتملاً محرکی برای تغییر تصمیم خود ارائه دهیم. ما به آنها احتیاج داریم...

جامعه سوسیالیستی به بحث نیازمند است زیرا یک جامعه مبتنی بر خرد است. این جامعه به شهروندان آگاه و مطلع خود که به اراده آزاد خود بخاطر مجموعه

هستی خویش سهل می کند نیاز دارد. جامعه ما به شهروندی که خواهان سهیم شدن در تصمیمات است که به او و کشور او مربوط می شود نیازمند است. این جامعه به شهروندان خود آگاه، منتقد و بالغ خود نیازمند است. ما اعتقاد راسخ داریم همه مشکلات جامعه ما به لحاظ سیاسی قابل حل هستند...

ما مشکلات خویش را خود حل می کنیم. اگر من در اینجا از شهر بن و مطلوبهائی که از آنجا هدایت می شود طلب می کنم که بیش از این در امور داخلی ما مداخله نکنند، مطالبات و اعتراضات مردم جمهوری دمکراتیک آلمان در روزها و هفته های اخیر را بیان میکنم. این شامل تلاش بی معنایی که می خواهد به حزب ما دستور العمل چگونگی پیشبرد بحث را تکلیف کند نیز می شود. اینکه در جمهوری دمکراتیک آلمان چه کاری باید صورت گیرد و چه اصلاحاتی باید پیش برده شود فقط در خود جمهوری دمکراتیک آلمان تعیین می شود... ما میدانیم دشمن به بدگویی و منفی بانی علیه ما ادامه خواهد داد. ما را از آن باکی نیست...

همانطور که نمی توان خود را از تحولات جهانی برکنار نگاه داشت، همانطور نیز یک حزب کمونیست نمی تواند خود را از روندهایی که به جنبش خودمان در اتحاد شوروی و سایر کشورهای برادر در جریان است، دور نگاه دارد. ما همواره گفته ایم که پروسترویکا را در اتحاد شوروی یک حرکت غیر قابل اجتناب می دانیم...

ما سانترالیسم دمکراتیک را در حزب خود و نیز در انکار وسیع همومی بر وفق مفهوم لنینی آن پیاده خواهیم کرد، یعنی ارائه و تشکیل نظرات از پایین به بالا را نیز خواهیم پذیرفت...

قدرت ما قدرت طبقه کارگر و مجموعه خلق به رهبری حزب است. ما این قدرت را نه بخاطر خود بلکه در راه منافع خلق بکن آورده ایم. ما قدرت را محکم بدست می گیریم و به نیروهای متعلق به گذشته اجازه نمیدهیم به آن زخم زنند...

مصر و لیبی پس از ۱۷ سال آشتی کردند



از هنگامی که این کشور سنتاً پرنفوذ کناره رود نیل، دوباره به اتحادیه عرب پذیرفته شد، فعالیت‌های دیپلماتیک خود را بسط داد. برگزاری یک سمینار بین‌المللی در قاهره، افزایش فعالیت در جنبش عدم تعهد، پذیرش ریاست سازمان وحدت آفریقا، دخالت در منازعات لبنان و ایفای نقش وساطت در مسئله فلسطین و اکنون دیدار با قذافی، همگی گویای امر فوق است.

برای لیبی منزوی نیز، ملاقات هفته پیش به مفهوم برداشتن قدمی دیگر در راه اقدام مجدد در جهان عرب می‌باشد.

برای نخستین بار پس از ۱۷ سال قذافی، رهبر لیبی، به مصر سفر کرد.

دیدار مبارک و قذافی به دشمنی بین این دو کشور پایان داد. روابط دیپلماتیک دو کشور پس از سفر انور سادات، رئیس‌جمهور سابق مصر، به اورشلیم در سال ۱۹۷۷ و متعاقب آن انعقاد قرارداد صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل، قطع شد.

نزدیکی مصر و لیبی نشان می‌دهد که کمپ دیوید، صلح جداگانه مصر و اسرائیل و متعاقب آن، انزوای مصر در میان کشورهای عربی، اکنون به گذشته تعلق دارد.

بقیه از صفحه ۹

چگونه بر انشعاب غلبه کردیم

خود برای اتحاد کار می‌کردند و این افرای آمیز نیست اگر بگویم که اکثر کمونیست‌ها سند تصویب شده کنگره را نتیجه فکر کردنها و بحث‌های خود می‌بینند.

* - فاکتور بین‌المللی بخصوص وضعیت نه چندان مساعد جنبش کمونیستی در اواخر سال‌های ۷۰ و اوائل سال‌های ۸۰ همانطور که گفتید اثر منفی برای حزب کمونیست اسپانیا داشت. اما از آتموگ تاکنون بسیاری چیزها در جهان به سمت بهتر شدن تغییر یافته است. آیا این تغییرات نیز تأثیری در پیروسی اتحاد شما داشته است؟

ایگناسیو گایه‌گو: اختلافات جنبش جهانی کمونیستی بطور واقعی در موقعیت حزب ما تأثیر گذاشت. اگر چه دلیل اصلی برای انشعاب در حزب نبود. از زمانی که در شوروی روند نوسازی آغاز شد نفوذ فاکتور خارجی هم دچار تغییر شد.

با توجه به فرم‌های شجاعانه و طرح‌های بسیار جامع بین‌المللی حزب کمونیست شوروی و دیگر احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی ما توانستیم قدرت بگیریم و این درست زمانی بود که کمونیست‌های اسپانیایی به دو جریان "طرفدار شوروی" و "مخالف شوروی" تقسیم شده بودند (قابل تذکر است که ما خودمان یک چنین اسمی روی خودمان نمی‌گذاشتیم) آن لحظه‌ای را که منتظرش بودیم فرا رسیده بود: احساسی دوباره، با سرسختی جا باز کرد که با بهترین سنت‌های مردم اسپانیا مطابقت دارد - سمپاتی برای سوسیالیسم.

طبعا شرایط مناسبی برای بهتر شدن روابط میان حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا بوجود آمد. این مسئله باعث شد ما اختلافاتی را که در رابطه با مسائل بین‌المللی داشتیم کنار بگذاریم. سخن کوتاه‌ما تأثیر خیلی مثبت آن چیزی را که پروسترویکا نامیده شد، احساس می‌کردیم.

البته این به معنی این نیست که دیگر اختلاف نظری نبود و یا مشکل جدیدی پیش نیامد. برای مثال در گذشته در اسپانیا این نظریه گسترش پیدا میکرد که شوروی یک سرزمین فیر دمکراتیک است من اینرا بشدت رد می‌کردم و نظرم بر این بود که جامعه شوروی یکی از دمکرات‌ترین جوامع در جهان می‌باشد. امروز ما می‌بینیم که در شوروی دمکراسی ناقص بود و در حال حاضر بسیار فعالیت می‌شود تا آنرا گسترش دهند.

ما در اسپانیا می‌توانیم ایده‌هایمان را بهتر تحقق ببخشیم زمانی که این ایده‌ها در کشورهای سوسیالیستی نه تنها بوسیله فاکتورهای سیاسی بلکه هم چنین با بهتر شدن سطح زندگی آن خلق‌ها همراه باشد. من خیلی امیدوارم که نوسازی به اهداف خود برسد تا در این امر هم وضعیت خود را تغییر دهد.

فرانسیسکو پالرو: می‌خواهم این‌را کوتاه و مختصر فرموله بکنم: بوجود آمدن یک فضای جدید در جنبش بین‌المللی کمونیستی باعث قوی شدن استقلال هر حزب میشود و این به ما کمک می‌کند راه‌های عالی برای حل مشکلات خلق اسپانیا پیدا بکنیم. در همان

حال این باعث میشود که ما به هدفی دیگر دست پیدا بکنیم: همکاری فعالتر احزاب کمونیست. در فضای تفاهم و روابط خوب متقابل خواهیم توانست اشکال موثرتر همکاری را بیابیم. بگونه‌ای که کار مشترک موثرتر باشد.

* - کنگره وحدت دیگر جزئی از تاریخ است این کنگره چه مفهومی برای حزب کمونیست اسپانیا داشت: نقطه پایان یا نقطه شروع؟ آینده پیروسی اتحاد چگونه است؟ بهر حال باز هم تعداد زیادی کمونیست خارج از حزب هستند بعضی‌ها با "کاریو" هستند و بعضی‌ها هم هنوز تحت نام حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا.

ایگناسیو گایه‌گو: کنگره وحدت در واقع هم نقطه اتمام و هم نقطه آغاز بود. نقطه پایان، زیرا که با آن فصل مهمی برای بازسازی وحدت ما به پایان رسید. نقطه شروع، زیرا که ما از نظر کیفی در فاز تکاملی جدیدی وارد شدیم که دیگر احتیاج به چنین داوری نخواهیم داشت. از اتحاد مطلق هم بعد از کنگره نمی‌توان سخن گفت. در خارج از حزب ما هنوز هم گروه‌های کمونیستی و حتی سازمان‌های کوچک وجود دارد که معتقد هستند هنوز شرایط برای اتحاد آماده نیست. ما باز هم در این رابطه تلاش خواهیم کرد تا تمامی - آن رفقای که در حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا باقی مانده‌اند و آن‌هایی که طرفدار "کاریو" هستند - اگر بخواهند، صفوف خود را در حزب ما پیدا کنند.

این ادعا که در اسپانیا شرایط برای اتحاد کمونیست‌ها آماده

نیست نشان‌دهنده کوه بیانی سیاسی است.

فرانسیسکو پالرو: من کنگره حزب را نه نقطه پایان و نه نقطه آغاز می‌دانم. اصطلاحی در مثلثات هست که فکر می‌کنم مناسب باشد: نقطه عطف یک منحنی. پیروسی اتحاد مدت زیادیست که شروع شده و در ۱۴ ژانویه به نقطه اوج خود رسید که ادامه خواهد داشت. بایستی بطور صریح گفته شود که کنگره اتحاد دیگری وجود نخواهد داشت در غیر این صورت اسپانیایی‌ها ما را جدی نخواهند گرفت. بعد از کنگره در حزب بروی تمامی کمونیست‌هایی که خارج از حزب هستند باز شده است. در این حزب هرکسی می‌تواند با توجه به توانایی‌ها و تجارب و دانش خود جای خود را بیابد. من مطمئن هستم که بعد از مدتی کوتاه و یا طولانی رفقای دیگر هم به ما خواهند پیوست. من تکرار می‌کنم هرکسی جای خود را خواهد یافت حتی "کاریو"، اگر که بخواهد ولی هرکسی که عضو حزب می‌شود بایستی بداند که راهنمای حزب ما سند تصویب شده در کنگره ژانویه می‌باشد.

ما امیدواریم که با کنگره حزب کمونیست اسپانیا در هر صده روابط بین‌المللی این وضعیت که طی سال‌های دراز از آن رنج بردیم، یعنی شناسایی چند حزب کمونیست در اسپانیا بیابان رسیده باشد. به نظر ما در حال حاضر وضعیت در این رابطه هادی شده است و امیدواریم که همه احزاب متعلق به جنبش کمونیستی بین‌المللی این مهم را در نظر بگیرند.

اگون کرنس دبیرکل حزب متحد سوسیالیست آلمان شد



کرد به علت بیماری قادر به تداوم مسئولیت‌های خویش به مثابه دبیر کل حزب، رئیس شورای دولتی و رئیس شورای ملی دفاع نیست. وی در اطلاعیه مزبور خطاب به اعضای حزب گفت: "رفقای عزیز! من همه زندگی آگاهانه بقیه در صفحه ۱

کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان در پلنوم فوق‌العاده‌ای در روز چهارشنبه ۱۸ اکتبر اگون کرنس را بجای اریش هونکر به ریاست حزب متحده سوسیالیست آلمان انتخاب کرد. اگون کرنس تاکنون مسئول امنیت و کادرها در هیئت سیاسی حزب بود. کرنس که با ۵۲ سال سن، جوانترین عضو هیئت سیاسی است، فعالیت سیاسی خود را پس از جنگ دوم جهانی در میان جوانان کمونیست آلمان آغاز کرد. وی در سن ۱۸ سالگی به عضویت حزب متحده سوسیالیست آلمان درآمد. در سال ۱۹۷۳ عضو کمیته مرکزی و رهبر سازمان جوانان شد و در سال ۱۹۸۳ به عضویت هیئت سیاسی انتخاب گردید. اریش هونکر طی اطلاعیه‌ای در ارتباط با کناره‌گیری خود عنوان

حرکت اعتراضی دانشجویان در تهران

جهت جلوگیری از گسترش آنها روز ۱۶ مهر بلافاصله مجلس آخوندی این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و قانونی تصویب شد که بر اساس آن تخلیه ساختمان‌هایی که در اختیار خوابگاه‌های دانشجویی قرار دارند تا رفع نیاز دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی (حداکثر به مدت ۵ سال) ممنوع اعلام شد. همچنین با انتقال و جابجایی دانشجویان به محل سکونت آنان یا دانشگاه‌های همجوار بدون جانفین موافقت به عمل آمد.

روز شنبه ۱۵ مهر ماه دانشجویان پلی‌تکنیک تهران در اعتراض به کمبود خوابگاه و محل سکونت دانشجویی در محوطه دانشگاه جمع شده و خواهان پاسخ‌گویی مسئولین در این مورد گردیدند. روز بعد دانشجویان دانشگاه صنعتی (شریف) نیز به حمایت از دانشجویان پلی‌تکنیک دست به اعتراض زدند خبر این حرکات اعتراضی به سرعت در سطح شهر تهران پیچید و مورد استقبال مردم قرار گرفت. بدنبال این حرکات اعتراضی و

جمهوری دموکراتیک آلمان:

هراس از انجام اصلاحات، هراسناک است

بی‌مسئولیتی، نابسامانی اقتصادی و قیومیت باید فوراً آغاز شود. مواضع و اظهارات مبین بیم و نگرانی نباید سرکوب گردند و جرم جلوه داده شوند. ما کاملاً به دستاوردهای جمهوری دموکراتیک آلمان، نظیر موضع پیگیر آنتی فاشیستی آن، نقش اساسی آن در خلع سلاح و موفقیت‌های اجتماعی آن آگاهی داریم. مبارزه با اظهارات محافل غربی که این دست‌آوردها را به زیر سوال می‌برند امری مسلم است.

اما آنچه اکنون ضرورت دارد، اصلاحات انقلابی است؛ اصلاحات هراسناک نیست بلکه هراس از اصلاحات، هراسناک است. نکته ضروری، گذار به اتحادیست که در آن "تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل آزاد همه است" (مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست). ما خواهان انتشار مصوبات کمیته‌های منطقه‌ای هستیم. اعضای رهبری، با نامه سرگشاده رئیس انجمن نویسندگان، هرمان کانت اعلام همبستگی میکنند. در تاریخ ۱۲ اکتبر اضاغه می‌کنیم: ما در بیانیه‌ایی که در این فاصله به وسیله هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان صادر شد نخستین علامت را جهت نوسازیهای ضرور ملاحظه می‌کنیم و با تمام قوا در راه پیش‌برد پیگیری آن همکاری می‌کنیم.

بزرگترین تظاهرات تاریخ جمهوری دموکراتیک آلمان در روز دوشنبه گذشته در لایپزیک برگزار شد. فشار برای انجام اصلاحات افزایش می‌یابد. بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر با خواندن سرود آنترناسیونال و دادن شعارهایی نظیر "بدون جبر برای دموکراسی بیشتر" "مباحثه و دموکراسی" "انتخابات آزاد" و "آزادی مسافرت" به خیابانها رفتند.

به‌دنباله بیانیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان و اعلام آمادگی حزب جهت مباحثه پیرامون مسائل حاد اجتماعی که از سوی محافل مختلف با حسن استقبال مواجه شده، انجمن نویسندگان جمهوری دموکراتیک آلمان بیانیه‌ای به شرح زیر صادر کرد: ما، اعضای رهبری انجمن نویسندگان جمهوری دموکراتیک آلمان، در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۹ تشکیل جلسه دادیم. بسیاری از کمیته‌های منطقه‌ای حزب متحده سوسیالیست آلمان در مصوبات خود نگرانی عمیق خویش را درباره وضعیت کشور ما اعلام کرده‌اند. رکود ایدئولوژیک، اقتصادی و اجتماعی به‌طور فزاینده آنچه را تاکنون کسب شده مورد تعدید قرار داده است. چشم‌پوشتن مطبوعات بر حقایق غیرقابل تحمل است. مباحثه آشکار دموکراتیک در همه سطوح اجتماعی پیرامون پدیده‌هایی نظیر بی‌تفاوتی،

برای اشتراک‌نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل‌های اشتراک، تمربستی و یارسید بانکی برداخت‌های اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارک	۱۱ مارک	نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> یک ساله
۲۴	۲۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارک	۲۷ مارک	نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> یک ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 280
MONDAY, 23 OCT. 89

حساب بانکی
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع‌آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید